

ارتباط بین سیاست های تقسیم سود و تأخیر مدیریت

رویا دارابی^۱

بهزاد بیگی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۰۱ تاریخ چاپ: ۱۴۰۳/۰۳/۰۲

چکیده

تقسیم سود یکی از موضوعات مهم در امر تصمیم گیری در بازار بورس اوراق بهادار تلقی می شود. از سوی دیگر، تصمیمات مرتبط با سود تقسیمی توسط مدیران مالی و سهامداران مستقل از فضای کلان اقتصادی و ریسک های مالی اتخاذ نمی شود. این پژوهش درصدد بررسی ارتباط بین سیاست های تقسیم سود و تأخیر مدیریت در ۳۰۰ شرکت منتخب پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره زمانی ۱۴۰۱-۱۳۹۴ پرداخته است می باشد. پژوهش حاضر از لحاظ هدف، پژوهشی کاربردی، از نظر شیوه اجرا، پژوهشی توصیفی- علی، همچنین از نظر شیوه گردآوری داده ها از نوع پس رویدادی است. برای آزمون فرضیه های پژوهش از مدل های رگرسیونی و همچنین برای تجزیه و تحلیل داده ها از نرم افزار SPSS استفاده شده است. نتایج پژوهش بیانگر وجود رابطه معنادار بین نسبت توزیع سود و درصد تغییرات توزیع سود نسبت به میانگین صنعت با تأخیر مدیریت می باشند.

کلمات کلیدی

تقسیم سود، سیاست تقسیم سود، تأخیر مدیریت، توزیع سود

۱- دانشیار، گروه حسابداری، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. royadarabi110@yahoo.com

۲- دانشجوی دکترا حسابداری گروه حسابداری، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Behzadbeigi312@gmail.com

مقدمه

مدیریت مسئولیت پاسخگویی^۱ خود را با ارائه صورت های مالی سالانه حسابرسی شده به استفاده کنندگان انجام می دهد. صورتهای مالی حسابرسی شده به عنوان یکی از منابع قابل اتکا اطلاعات برای استفاده کنندگان محسوب می شود؛ اما این اطلاعات زمانی می تواند توسط استفاده کنندگان مورد استفاده قرار بگیرد که دارای مجموعه ای از ویژگی های کیفی باشد. یکی از این ویژگی ها به موقع بودن اطلاعات می باشد. از آنجا که اطلاعات مالی نسبت به گذشت زمان بسیار حساس است و با مرور زمان ارزش و سودمندی خود را در تصمیم گیری ها از دست می دهد، بنابراین هرچه فاصله زمانی بین پایان سال مالی و تاریخ انتشار گزارش حسابرسی کوتاهتر شود، ارزش اطلاعاتی آن بیشتر است. به هر حال این نکته را نمی توان نادیده انگاشت که اجرای فرایند حسابرسی و اظهار نظر در مورد منصفانه بودن ارائه صورتهای مالی تبدیل به یکی از عواملی شده است که معمولاً منجر به ایجاد فاصله زمانی در ارائه صورتهای مالی به استفاده کنندگان می گردد. مطالعات بسیاری در زمینه به موقع بودن اطلاعات حسابداری، عواملی که باعث تأخیر در گزارشگری مالی می شود را بررسی نموده اند. الادیپاپو و ایزدونمی^۲ (۲۰۰۹) فرض می کنند که تأخیر در گزارشگری مالی شرکت^۳ غیر قابل اجتناب است و علت تأخیر تنها حسابرسان نیستند بلکه مدیریت نیز تا حدی مسئول است. مدیریت اختیارات زیادی در فرایند گزارشگری مالی دارد؛ مثلاً اختیارات حسابرس مستقل تا زمانی که مدیریت پیش نویس گزارش سالانه و حسابهای موجود را تهیه نکند، اعمال نخواهد شد. به طور مشابه، مدیریت تا حدی در تسهیل شروع و فرایند اعمال حسابرسی نقش دارد. حتی پس از پایان کار حسابرسی و وجود گزارش حسابرسی در دسترس، مدیریت مسئولیت سازمان دهی مجمع عمومی سالانه را به عهده دارد و همچنین صورت های مالی سالانه حسابرسی شده را به سهامداران ارائه می نماید؛ بنابراین تأخیر مدیریت تعداد روزهای سپری شده بین تاریخ گزارش حسابرسی و تاریخ مجمع عمومی سالانه می باشد؛ و همچنین زمانی که نهادهای ذیصلاح قانونی مانند مقامات مالیاتی مربوطه، کمیسیون بورس اوراق بهادار (SEC)^۴ و کمیسیون امور شرکتها (CAC)^۵ حساب ها و گزارشهای سالانه حسابرسی شده را ارائه می نمایند، مدیریت نظر خود را اعمال می کند و تا حدی در برابر خط مشی ها و قوانین و مقررات مربوطه مقاومت می کند. استفاده از قدرت اختیار مدیریت در گزارشگری مالی شرکت مستلزم مطالعه است که چه میزان تأخیر در فرایند گزارشگری مالی شرکت به وسیله مدیریت صورت گرفته است.

اواخر دهه نود و اوایل دهه هزاره جدید، جهان شاهد بحران ها و رسوایی دو کمپانی غول آسای اترون و وردکام و دیگر شرکت های کوچکتر بود. وقوع این رسواییهای مالی باعث نشانه رفتن انگشت اتهام به سوی حسابداری، گزارشگری مالی و حسابرسان این شرکتها شد. پیامد این نگرانیها به شکل تغییرات بنیادین و گسترده در حوزه نظارت بر شرکت ها و بازار سرمایه نمود یافت که از آن جمله می توان به تفکر تقویت ساختار نظام راهبری شرکتها و قوانین و مقررات اشاره کرد. بررسی علتها و شرایط وقوع فروپاشیها مشخص کرده است که در موارد نبود نظارت بر مدیریت، حاکمیت ناقص سهامداران بر چگونگی اداره کارها و سپردن اختیارات نامحدود به مدیران اجرایی، زمینه مساعدی برای سوء استفاده آنان را فراهم کرده است. جلوگیری از بروز چنین وضعیتی مستلزم اشراف صحیح سهامداران از طریق

¹. Steadwarship responsibility

². Oladipupo and Izedonmi

³. Delay in corporate financial reporting

⁴. Security and exchange commicion

⁵. Corporate affairs commicion

نظارت دقیق بر هیئت مدیره و حسابرسی منظم شرکتهاست که در مجموع تحت عنوان نظام راهبری شرکت شناخته می شود (بنویدی، ۱۳۸۵). در نگاهی کلی، نظام راهبری شرکتهای را می توان مجموعه ای از فرایندها و ساختارهایی دانست که با استفاده از ساز و کارهای درون سازمانی نظیر هیئت مدیره، کنترل‌های داخلی اداری و حسابداری، کمیته حسابرسی^۶، حسابرسی داخلی و مدیریت ریسک و نیز ساز و کارهای برون سازمانی مانند نظارت قانونی، نظام حقوقی، نظارت بازار سرمایه، نظارت سهامداران عمده، حسابرسان مستقل و مؤسسات رتبه بندی در پی کسب اطمینان از رعایت حقوق ذینفعان، پاسخگویی، شفافیت و عدالت در واحد تجاری است. پیش بینی می شود نظام راهبری و ساز و کارهای آن به کاهش ریسک حسابرسی منجر شود؛ و حسابرسان خواهند توانست به ارزیابی کیفیت راهبری اعمال شده در واحدهای تجاری بپردازند. نظام راهبری به عنوان مجموعه ای از کنترل‌های داخلی و خارجی می تواند از طریق کاهش ریسک گزارشگری نامطلوب و اقدامات متقابله به اثربخشی و کارایی فرایند حسابرسی کمک قابل توجهی بکند. در واقع نظام راهبری بالقوه می تواند از حجم کار حسابرسی و ریسک آن بکاهد؛ بنابراین انتظار می رود که وجود نظام راهبری مناسب بتواند از طریق اثر بر اندازه، ریسک و پیچیدگی واحد مورد حسابرسی بر تقاضا برای حسابرسی مستقل واحد مورد حسابرسی اثرگذار باشد.

یکی از ساز و کارهای کنترلی بیرونی مؤثر بر نظام راهبری شرکت که به طور جهان شمول دارای اهمیت فزاینده ای می شود، ظهور سرمایه گذاران نهادی^۷ به عنوان مالکین سرمایه است. سهامداران نهادی دارای توان بالقوه تأثیر گذاری بر فعالیت های مدیران به طور مستقیم از طریق مالکیت و به طور غیر مستقیم از طریق مبادله سهام خود هستند. در ایران بخش عمده ای از مالکیت شرکتهای پذیرفته در بورس اوراق بهادار، در اختیار سهامداران نهادی است و از این رو، این سهامداران از حق رأی بالایی برخوردارند. از سوی دیگر، از آن جایی که سرمایه گذاری های انجام شده توسط آنها مبالغ قابل توجهی را به خود اختصاص داده است از این رو، این سهامداران به طور طبیعی نگرانی هایی نسبت به سرمایه گذاری های خود دارند و از انگیزه بالایی برای نظارت بر عملکرد شرکتهای برخوردارند؛ و همچنین از آن جا که هدف اصلی سهامداران نهادی از سرمایه گذاری در سهام شرکتهای دست یابی به سود و نهایتاً افزایش ثروت آنها است، رقم سود گزارش شده و نیز سود توزیع شده شرکتهای از اهمیت خاصی برخوردار است؛ زیرا قیمت بازار شدیداً تحت تأثیر سود گزارش و توزیع شده شرکتهای قرار دارد و به این ترتیب سهامداران نهادی احتمالاً تلاش خواهند کرد تا در اتخاذ تصمیم های اثرگذار بر سود گزارش شده و سود توزیع شده ی شرکتهای تأثیرگذار باشند و حتی ممکن است که به منظور دست یابی به اهداف خود، فشارهایی نیز به مدیریت شرکتهای وارد نمایند.

شرکت های سرمایه پذیر با برگزاری مجامع سالانه، اقدام به ارائه گزارش عملکرد و درخواست تصمیم گیری در مورد برخی از امور شرکت می کنند. در اکثر اوقات، بحث برانگیزترین بخش مجمع، تصمیم گیری درباره تقسیم سود است، به این دلیل که سهامداران برای دریافت بازده نقدی سرمایه گذاری خود، پیشنهاد توزیع حداکثری سود را ارائه می کنند و در مقابل مدیران شرکت ها برای جبران کمبود نقدینگی و جلوگیری از خروج منابع مالی، تمایلی به تقسیم سود ندارند. لذا مباحث مختلفی در رابطه با تقسیم سود از جمله میزان تقسیم سود و زمان پرداخت بین مدیران و سهامداران مطرح می شود که در نهایت تعیین کننده سیاست شرکت در مورد تقسیم سود نقدی است. درعین حال که سرمایه

^۶. Audit Committee

^۷. Institutional Investors

گذاران به دریافت سود سالانه حاصل از سرمایه گذاری خود علاقه دارند، مدیران موسسات، ارزان ترین و مهمترین منبع مالی را برای رشد و توسعه و تامین نیازهای مالی خود در عدم تقسیم سود جستجو می کنند، لذا میان این دو گروه تضادی وجود دارد که باید قاعدتاً به یک راه حل بهینه ختم شود. در نهایت این چانه زنی بین سهامداران و مدیریت در مجمع می تواند باعث تأخیر مدیریت شود؛ و همانطور که قبلاً نیز بیان شد تأخیر مدیریت تعداد روزهای سپری شده بین تاریخ گزارش حسابرسی و تاریخ مجمع عمومی سالانه می باشد.

بنابراین این پژوهش سعی دارد به بررسی این موضوع بپردازد که آیا بین سیاست های تقسیم سود و تأخیر مدیریت رابطه وجود دارد؟

مبانی نظری

موضوع سیاست تقسیم سود همواره به عنوان یکی از مباحث مهم مالی مطرح بوده و تاکید بیش از حد بازار سرمایه به سود و اطلاعات مرتبط با آن باعث شده است، این متغیر به یکی از مهم ترین عوامل تغییرات قیمت سهام تبدیل گردد و با ایجاد یک بازده غیر عادی، ارزش شرکت را به خود وابسته سازد. توزیع سود از جمله راهبردهای کوتاه مدت و بلندمدت شرکت ها می باشد که آثار آن در هر سال مالی در مجامع عمومی شرکت ها آشکار و بر پایه آن عملکرد شرکت ارزیابی میگردد. از طرفی یکی از دلایلی که می تواند در مورد توضیح موفقیت آمیز سیاست تقسیم سود سهام توسط نظریه نمایندگی بیان شود، تأثیر سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر سیاست تقسیم سود است (ادجوند و بن عمار^۸، ۲۰۱۰). در این صورت، کنترل های داخلی به عنوان سازوکار حاکمیت شرکتی، تأثیر قابل توجهی در سیاست تقسیم سود سهام خواهد داشت. پژوهش های موجود نشان می دهد، کیفیت کنترل داخلی و سیاست تقسیم سود سهام می توانند وسیله ای موثر برای کاهش هزینه های نمایندگی، شرکت ها باشند (فرچایلد، ۲۰۱۰، یانگ^۹، ۲۰۱۶).

از طرفی یکی از دلایلی که می تواند در مورد توضیح موفقیت آمیز سیاست تقسیم سود سهام توسط نظریه نمایندگی بیان شود، تأثیر سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر سیاست تقسیم سود است (ادجوند و بن عمار، ۲۰۱۰)، در این صورت، کنترل های داخلی به عنوان سازوکار حاکمیت شرکتی، تأثیر قابل توجهی در سیاست تقسیم سود سهام خواهد داشت. پژوهش های موجود نشان می دهد، کیفیت کنترل داخلی و سیاست تقسیم سود سهام می توانند وسیله ای موثر برای کاهش هزینه های نمایندگی شرکت ها باشند (فرچایلد؛ ۲۰۱۰ و یانگ^۹، ۲۰۱۶).

چالمرز و همکاران^{۱۰} (۲۰۱۹) در تحقیقات خود نسبت به کنترل های داخلی اظهار داشتند، پژوهش های تجربی آینده باید عواقب اقتصادی ضعف کنترل های داخلی در سیاست تقسیم سود را در اقتصادهای توسعه یافته و در حال ظهور بررسی کنند. سیاست تقسیم سود نیز از موضوعات مورد توجه در ادبیات مالی است و بنابر پژوهش های صورت گرفته عوامل درون و برون سازمانی متعددی در تعیین سیاست های تقسیم سود از سوی مدیران شرکت ها ایفای نقش مینمایند که هر کدام از درجه اهمیت خاصی برخوردارند و شناسایی این عوامل راهنمای خوبی برای اتخاذ تصمیم های صحیح و مناسب از سوی سرمایه گذاران، اعتباردهندگان، مدیران، تحلیلگران بازار سرمایه و ... به شمار می آید. لذا شناسایی و تبیین عوامل تعیین کننده سیاست تقسیم سود و تصمیم مدیران از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

⁸ Adjaoud and Ben-Amar

⁹ Ying

¹⁰ Chalmers

مروری بر پیشینه پژوهش

خادمیان و همکاران (۱۴۰۴) به مطالعه بررسی تأثیر کیفیت کنترل های داخلی بر سیاست تقسیم سود با تأکید بر نقش تعدیل کننده افق سرمایه گذاران نهادی پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد، بین کیفیت کنترل های داخلی و سیاست تقسیم سود رابطه مثبت و معناداری وجود دارد و سرمایه گذاران نهادی بلندمدت اثر تعدیل کننده ای بر رابطه بین کیفیت کنترل های داخلی و سیاست تقسیم سود دارند.

رحمانیان کوشککی و طاهری (۱۴۰۳) به مطالعه معادلات ساختاری ارتباط بین رشد دارائی ها، تداوم سود، مدیریت سود و فرصت های سرمایه گذاری با تقسیم سود و ارزش شرکت پرداختند. یافته های این مطالعه نشان داد که رشد دارایی ها، تداوم سود، فرصت های سرمایه گذاری و مدیریت سود بر سود تقسیمی تأثیر گذار است. همچنین بین مدیریت سود و سود تقسیمی رابطه معنی داری وجود دارد. نهایتاً سود تقسیم شده، رشد دارایی ها و تداوم سود بر ارزش شرکت تأثیر گذار است. هنگامی که سرمایه گذاران، ارزش شرکت را بر حسب داده های حسابداری مشخص می کنند، لازم است تا میزان رشد دارایی ها را مدنظر قرار بدهند. هنگامی که شرکت از دید مقدار وجوه نقد در دسترس تنگنایی ندارد، مدیر از جهت تخصیص منابع میان فرصت های سرمایه گذاری و تقسیم سود با معضلی جدی مواجه نیست. رشد دارایی ها، سبب ایجاد ارزش برای یک شرکت می گردد. مدیران اکثراً به تداوم سود اقدام می نمایند؛ چون مبلغ سود و نوسان آن از منظر سهامداران شرکت اهمیت دارد و بر ارزش شرکت موثر است. استفاده از فرصت های سرمایه گذاری و در پیش گرفتن سیاست های بدهی و تقسیم سود مطلوب که از جمله ابزارهای تصمیمات مالی محسوب می شوند، می تواند موجب بهبود جایگاه شرکت گردند.

معمارفر (۱۴۰۳) به مطالعه بررسی رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و سیاست های تقسیم سود با توجه به نقش کیفیت حاکمیت شرکتی پرداخت. نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد متغیر عدم تقارن اطلاعاتی تأثیر معناداری با سیاست های تقسیم سود دارد و دیگر یافته های تحقیق نشان داد که کیفیت حاکمیت شرکتی رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و سیاست تقسیم سود را تعدیل میکند.

محمدزاده و فلاح (۱۴۰۲) به مطالعه بررسی ارتباط بین انعطاف پذیری مالی و سیاست تقسیم سود در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتیجه تحقیق نشان داد بین انعطاف پذیری مالی و سیاست تقسیم سود در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه معناداری وجود دارد.

داروغه حضرتی (۱۴۰۲) به مطالعه تأثیر ساختار مالکیت و سیاست تقسیم سود بر عملکرد شرکت پرداخت. نتایج این پژوهش نشان می دهد مالکیت نهادی، تمرکز مالکیت و سیاست تقسیم سود بر عملکرد شرکت تأثیر مثبت و معناداری دارد اما مالکیت خانوادگی بر عملکرد شرکت تأثیر منفی و معناداری دارد.

بدیعی و همکاران (۱۴۰۲) به مطالعه ارائه مدل ارزش شرکت براساس نسبت های مالی، سرمایه فکری و سیاست تقسیم سود پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد بین نسبت های مالی با ارزش شرکت رابطه معنادار وجود دارد. بین سرمایه فکری با ارزش شرکت رابطه معنادار وجود دارد. سیاست تقسیم سود بر رابطه بین نسبت های مالی با ارزش شرکت تأثیر گذار است. سیاست تقسیم سود بر رابطه بین سرمایه فکری با ارزش شرکت تأثیر گذار است.

فونسکا و همکاران (۲۰۲۳) به بررسی تأثیر افشای پایداری و عملکرد شرکت بر سیاست های تقسیم سود پرداختند. جامعه آماری آنان شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار چین می باشد. دوره مطالعاتی آنان سال های ۲۰۰۶

الی ۲۰۱۶ می باشد. یافته های آنان نشان می دهد که افشای پایداری تاثیر مثبت و معناداری بر سیاست های تقسیم سود دارد. همچنین رابطه بین عملکرد شرکت و تقسیم سود نیز مثبت و معنادار است.

یلماز و همکاران^{۱۱} (۲۰۲۲) به بررسی تاثیر ساختار مالکیت و حاکمیت شرکتی بر رابطه بین گزارشگری پایداری شرکت و سیاستهای تقسیم سود پرداختند. جامعه آماری آنان شرکتهای پذیرفته شده در بورس استانبول در بازه زمانی ۲۰۱۴ الی ۲۰۲۰ میباشد. نتایج نشان میدهد که گزارشگری پایداری شرکت و سیاستهای تقسیم سود رابطه مثبت و معناداری وجود دارد و حاکمیت شرکتی و ساختار مالکیت تأثیر مثبت و معناداری بر رابطه یاد شده دارد.

کادیم و همکاران^{۱۲} (۲۰۲۰) به بررسی تاثیر سیاست تقسیم سود بر رابطه بین نسبتهای مالی، سرمایه فکری با ارزش شرکت پرداختند. نتایج پژوهش حاکی از آن بود بین نسبتهای مالی با ارزش شرکت رابطه معنادار وجود دارد. بین سرمایه فکری با ارزش شرکت رابطه معنادار وجود دارد. سیاست تقسیم سود بر رابطه بین نسبتهای مالی با ارزش شرکت تاثیرگذار است. سیاست تقسیم سود بر رابطه بین سرمایه فکری با ارزش شرکت تاثیرگذار است.

تیگو آد پوترا^{۱۳} (۲۰۲۲) به بررسی تاثیر مالکیت نهادی، مالکیت خانوادگی، تمرکز مالکیت و سیاست تقسیم سود بر عملکرد شرکت پرداختند. نتایج تحقیق نشان داد که مالکیت نهادی بر عملکرد شرکت تاثیر مستقیمی داشته است. مالکیت خانوادگی بر عملکرد شرکت تاثیری نداشته است. تمرکز مالکیت و سیاست تقسیم سود نیز بر عملکرد شرکت تاثیر مستقیمی داشته اند.

گانتر^{۱۴} (۲۰۲۰) در پژوهشی به بررسی کیفیت کنترلهای داخلی و سیاست تقسیم سود: آیا مالکیت مدیریتی اهمیت دارد؟ پرداختند. نتایج نشان داد، کیفیت کنترل داخلی به طور مثبت و قابل توجهی با سیاست تقسیم سود سهام مرتبط است. این موضوع نشان میدهد کنترل داخلی بهتر نسبت سود سهام را افزایش می دهد. به علاوه، تمرکز مالکیت مدیریتی ارتباط بین کیفیت کنترل داخلی و سیاست تقسیم سود سهام را تعدیل میکند.

فرضیه های پژوهش

فرضیه اصلی: بین سیاست های تقسیم سود و تأخیر مدیریت رابطه معنی داری وجود دارد.

فرضیه فرعی اول: بین درصد تغییرات توزیع سود نسبت به میانگین صنعت و تأخیر مدیریت رابطه معنی داری وجود دارد.

فرضیه فرعی دوم: بین نسبت توزیع سود و تأخیر مدیریت رابطه معنی داری وجود دارد.

روش شناسی پژوهش

این پژوهش از لحاظ طبقه بندی پژوهش بر مبنای هدف از نوع کاربردی است. پژوهش کاربردی پژوهشی است که نظریه ها، قانونمندی ها، اصول و فنون را برای حل مسایل اجرایی و واقعی به کار می گیرد. هدف تحقیقات کاربردی، توسعه دانش کاربردی در یک زمینه خاص است و همچنین می تواند در جریان استفاده از اطلاعات کاربرد داشته باشد.

پژوهش حاضر از لحاظ طبقه بندی بر حسب روش، از نوع توصیفی است. از میان انواع پژوهش های توصیفی، از نوع همبستگی بوده چرا که در آن ارتباط بین درصد تغییرات توزیع سود و نسبت توزیع سود نسبت به میانگین صنعت با

¹¹ Yilmaz, Mustafa K. Mine Aksoy & Ajab Khan

¹² Kadim et al

¹³ Teguh Ade Putra, Andreas, & Enni Savitri

¹⁴ Gontara

تأخیر مدیریت مورد مطالعه قرار می گیرد؛ بنابراین از روش رگرسیون غیرخطی برای آزمون فرضیه ها استفاده شده است. همچنین جهت اطمینان از قابل اتکاء بودن نتایج، از آزمونهای پیش فرض استفاده از مدل رگرسیون استفاده شده است. از روش مطالعات کتابخانه ای برای مطالعه ادبیات موضوع و بررسی پیشینه پژوهش استفاده شده است. از بعد فرایند، نوع تحقیق کمی است؛ یعنی با یک نگرش عینی به جمع آوری و تحلیل داده های کمی می پردازد. جامعه آماری این پژوهش، کلیه شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار طی دوره زمانی ۱۳۹۴ تا ۱۴۰۱ (دوره ۸ ساله) است.

متغیرهای پژوهش

متغیرهای مستقل

متغیرهای مستقل این پژوهش شامل موارد زیر می باشد:

نسبت توزیع سود: این نسبت از تقسیم سود نقدی به سود هر سهم بدست می آید.

درصد تغییرات توزیع سود نسبت به میانگین صنعت: در این روش با در نظر گرفتن نوع صنعت میانه سیاست تقسیم سود را اندازه گیری می کنیم. در صورتی که این نسبت برای شرکتی بالاتر از میانه صنعت بود عدد ۱ و در غیر این صورت عدد صفر را در نظر می گیریم.

متغیرهای وابسته

تأخیر مدیریت به عنوان متغیرهای وابسته تحقیق مد نظر قرار می گیرند.

تأخیر مدیریت تعداد روزهای سپری شده بین تاریخ گزارش حسابرسی و تاریخ مجمع عمومی سالانه می باشد. زمانی که حسابها و گزارش سالانه به عموم ارائه شود؛ و به صورت زیر اندازه گیری می شود:

$$MD = AGMD - ARD$$

MD (Management delay) تأخیر مدیریت

AGMD (Annual general meeting date)

متغیرهای کنترلی این پژوهش عبارتند از:

چهار نوع متغیر کنترلی در این پژوهش مورد استفاده قرار می گیرند که عبارتند از:

۱. عملکرد شرکت ۲. رشد شرکت ۳. اندازه شرکت ۴. اهرم مالی

یافته های پژوهش

آمار توصیفی

آمار توصیفی پژوهش حاضر که شامل میانگین، میانه، حداکثر، حداقل، انحراف معیار، چولگی و ضریب کشیدگی می باشد به شرح جدول (۱) است.

جدول (۱): آمار توصیفی متغیرها

متغیرهای پژوهش	میانگین	میانه	بیشینه	کمینه	انحراف معیار
رشد شرکت	۲/۵۹۰	۲/۱۲۵	۴۴/۰۲۰	-۲۵/۸۹۰	۴/۹۳۱
عملکرد شرکت	۴۳۳۵۶۶	۴۴۵۸۳	۱۹۹۵۱۷۷۶	-۹۲۴۴۳۰	۲۰۲۷۲۷۰
اهرم مالی	۰/۵۷۸	۰/۳۷۷	۸/۰۷۷	۰/۰۰۰	۰/۷۵۱

متغیرهای پژوهش	میانگین	میانه	بیشینه	کمینه	انحراف معیار
اندازه شرکت	۲۲/۱۰۶	۲۲/۱۰۰	۲۴/۲۸۰	۲۴/۲۹۰	۰/۸۸۰
درصد تغییرات توزیع سود نسبت به میانگین صنعت	۱/۹۸۴	۱/۱۴۹	۴۶/۲۸۰	-۲۰/۶۰۷	۵/۱۸۸
نسبت توزیع سود	۱/۶۶۲	۱/۱۳۰	۲۵۰/۰۰۰	-۱۴۳/۳۳۰	۱۹/۲۶۷
تاخیر مدیریت	۳۰/۷۶۷	۳۰/۰۰۰	۴۶/۰۰۰	۱۷/۰۰۰	۷/۶۹۹

لازم به ذکر است که تعداد مشاهدات مورد بررسی برای برآورد مدل مرتبط با فرضیه‌های پژوهش، ۳۰۰ مشاهده طی سال‌های ۱۳۹۴ تا ۱۴۰۱ می‌باشد.

با توجه جدول شماره ۱ مقدار میانگین یا متوسط مشاهده می‌شود، همان طوریکه از مفهوم متوسط بر می‌آید، میانگین، مرکز مجموعه داده‌ها را نمایش می‌دهد. اگر نمودار نقطه‌ای مجموعه داده‌ها را این طور تجسم کنیم که روی میله افقی نازکی، گویه‌ای هم اندازه‌ای در محل داده‌ها قرار دارند، آنگاه، میانگین نشان دهنده نقطه‌ای است که این میله در آن نقطه به حال تعادل در می‌آید. در ادامه مقدار میانه وجود دارد که میانه مقداری است که دسته داده‌ها را به دو نیمه مساوی تقسیم می‌کند؛ به عبارت دیگر، ۵۰ درصد داده‌ها در زیر میانه و ۵۰ درصد در بالای میانه قرار می‌گیرند. مقادیر کمینه و بیشینه به ترتیب، در ریاضیات به کوچکترین مقدار یک تابع در یک محدوده کمینه^{۱۵} گفته می‌شود. همچنین کمینه ممکن است به کوچکترین عضو یک مجموعه از اعداد اطلاق شود و به بزرگترین مقدار یک تابع در یک محدوده بیشینه^{۱۶} گفته می‌شود. همچنین بیشینه ممکن است به بزرگترین عضو یک مجموعه از اعداد اطلاق شود. در انتها انحراف معیار می‌باشد که عددی است که نشان می‌دهد تا چه فاصله‌ای از مقدار متوسط داده‌ها، هنوز واریانس وجود دارد. یکی از مهم‌ترین شاخص‌های شکل توزیع، چولگی می‌باشد. چولگی شاخص تقارن داده‌ها است و عدم تقارن توزیع را نسبت به شاخصی معین (معمولاً نسبت به میانگین) نشان می‌دهد. مهم‌ترین شاخص چولگی، ضریب چولگی (گشتاوری) است. اگر ضریب چولگی منفی باشد، توزیع دارای چوله به چپ و در صورتی که ضریب چولگی مثبت باشد، توزیع چوله به راست است. اگر توزیع نامتقارن باشد، ضریب چولگی مساوی صفر خواهد بود. همانطور که ملاحظه می‌شود مقدار چولگی متغیرهای تحقیق عمدتاً پایین بوده که این امر حکایت از تقارن بودن متغیرهای تحقیق و نزدیک بودن توزیع آنها به توزیع نرمال (یکی از فروض اصلی کلاسیک که در صورت نرمال بودن می‌توان از رگرسیون استفاده کرد) دارد.

آزمون فرضیه‌های پژوهش

نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های فرعی مرتبط با فرضیه اصلی

به منظور آزمون فرضیه اصلی پژوهش مبنی بر این که «بین سیاست‌های تقسیم سود و تأخیر مدیریت رابطه معنی‌داری وجود دارد»، با توجه به معیارهای سیاست‌های تقسیم سود، دو فرضیه فرعی طراحی و مورد آزمون قرار گرفته است.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه فرعی اول مرتبط با فرضیه اصلی

برای آزمون فرضیه فرعی اول از فرضیه اصلی پژوهش مبنی بر این که «بین درصد تغییرات توزیع سود نسبت به میانگین صنعت و تأخیر مدیریت رابطه معنی‌داری وجود دارد»، از مدل رگرسیون حداقل مربعات معمولی به روش داده‌های

¹⁵. Minimum

¹⁶. Maximum

ترکیبی استفاده شده است. در همین راستا، برای برآورد مدل از متغیر وابسته یعنی تأخیر مدیریت به همراه متغیر مستقل درصد تغییرات توزیع سود نسبت به میانگین صنعت و متغیرهای کنترلی اهرم مالی، رشد شرکت، اندازه شرکت و عملکرد شرکت استفاده بعمل آمده است.

در ادامه، نتایج حاصل از بررسی ضرایب متغیرهای مدل که در جدول شماره ۲ ارائه شده است، توضیح داده می‌شود.

جدول ۲: نتایج حاصل از بررسی ضرایب جزئی مدل - فرضیه فرعی اول از فرضیه اصلی

متغیرها	ضرایب	خطای استاندارد	آماره t	معناداری
درصد تغییرات توزیع سود نسبت به میانگین صنعت	۰/۲۵۶	۰/۰۸۴	۳/۰۵۰	۰/۰۰۲
رشد شرکت	-۰/۲۱۱	۰/۰۹۲	-۲/۲۶۹	۰/۰۰۴
عملکرد شرکت	۰/۳۲۸	۰/۱۲۱	۲/۷۰۴	۰/۰۰۷
اهرم مالی	۰/۵۲۸	۰/۱۷۹	۲/۹۴۹	۰/۰۰۱
اندازه شرکت	۰/۹۲۸	۰/۲۲۲	۴/۱۸۶	۰/۰۰۷
مقدار ثابت	۲/۹۷۱	۱/۴۵۳	۲/۰۴۳	۰/۰۱۰

همان‌طور که در جدول شماره ۲-ملاحظه می‌شود، ضریب متغیر مستقل بیانگر این است که درصد تغییرات توزیع سود نسبت به میانگین صنعت به عنوان معیاری از سیاست‌های تقسیم سود دارای تأثیر مثبت بر تأخیر مدیریت است. مقدار آماره t و معناداری مربوط به این آماره نیز نشان‌دهنده این است که این تأثیرگذاری از لحاظ آماری معنادار است. بنابراین، فرضیه فرعی اول از فرضیه اصلی پژوهش در سطح اطمینان ۹۵ درصد پذیرفته می‌شود و در مجموع چنین نتیجه‌گیری می‌شود که با افزایش درصد تغییرات توزیع سود نسبت به میانگین صنعت، میزان تأخیر مدیریت به صورت معناداری افزایش می‌یابد. ضرایب و سطح معناداری آماره t مربوط به متغیرهای کنترلی نیز نشان‌دهنده این است که عملکرد شرکت، اهرم مالی و اندازه شرکت دارای تأثیر مثبت و معنادار بر میزان تأخیر مدیریت است، همچنین ضرایب و سطح معناداری آماره t مربوط به متغیر کنترلی رشد شرکت نشان‌دهنده این است که رشد شرکت دارای تأثیر منفی و معنادار بر میزان تأخیر مدیریت است.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه فرعی دوم مرتبط با فرضیه اصلی

برای آزمون فرضیه فرعی دوم از فرضیه اصلی پژوهش مبنی بر این که «بین نسبت توزیع سود و تأخیر مدیریت رابطه معنی‌داری وجود دارد»، از مدل رگرسیون حداقل مربعات معمولی به روش داده‌های ترکیبی استفاده شده است. در همین راستا، برای برآورد مدل از متغیر وابسته یعنی تأخیر مدیریت به همراه متغیر مستقل نسبت توزیع سود و متغیرهای کنترلی اهرم مالی، رشد شرکت، اندازه شرکت و عملکرد شرکت استفاده بعمل آمده است.

در ادامه، نتایج حاصل از بررسی ضرایب متغیرهای مدل که در جدول شماره ۳ ارائه شده است، توضیح داده می‌شود.

جدول ۳: نتایج حاصل از بررسی ضرایب جزئی مدل - فرضیه فرعی دوم از فرضیه اصلی

متغیرها	ضرایب	خطای استاندارد	آماره t	معناداری
نسبت توزیع سود	۰/۲۸۳	۰/۱۲۳	۲/۲۹۸	۰/۰۰۶
رشد شرکت	-۰/۲۱۹	۰/۰۹۴	-۲/۳۱۹	۰/۰۲۱
عملکرد شرکت	۰/۰۸۵	۰/۰۴۲	۲/۰۲۴	۰/۰۰۶
اهرم مالی	۰/۸۷۰	۰/۱۹۴	۴/۴۶۸	۰/۰۰۵
اندازه شرکت	۱/۸۳۹	۰/۵۳۶	۳/۴۲۹	۰/۰۰۰
مقدار ثابت	۷/۸۸۱	۱/۷۹۳	۴/۳۹۳	۰/۰۱۲

همان‌طور که در جدول شماره ۳-ملاحظه می‌شود، ضریب متغیر مستقل بیانگر این است که نسبت توزیع سود به عنوان معیاری از سیاست‌های تقسیم سود دارای تأثیر مثبت بر تأخیر مدیریت است. مقدار آماره t و معناداری مربوط به این آماره نیز نشان‌دهنده این است که این تأثیرگذاری از لحاظ آماری معنادار است. بنابراین، فرضیه فرعی دوم از فرضیه اصلی پژوهش در سطح اطمینان ۹۵ درصد پذیرفته می‌شود و در مجموع چنین نتیجه‌گیری می‌شود که با افزایش نسبت توزیع سود، میزان سیاست‌های تقسیم سود به صورت معناداری افزایش می‌یابد. ضرایب و سطح معناداری آماره t مربوط به متغیرهای کنترلی نیز نشان‌دهنده این است که عملکرد شرکت، اهرم مالی و اندازه شرکت دارای تأثیر مثبت و معنادار بر میزان تأخیر مدیریت است، همچنین ضرایب و سطح معناداری آماره t مربوط به متغیر کنترلی رشد شرکت نشان‌دهنده این است که رشد شرکت دارای تأثیر منفی و معنادار بر میزان تأخیر مدیریت است.

نتیجه‌گیری کلی از فرضیه اصلی

برای آزمون فرضیه اصلی پژوهش مبنی بر این که «بین سیاست‌های تقسیم سود و تأخیر مدیریت رابطه معنی‌داری وجود دارد»، از مدل رگرسیون حداقل مربعات معمولی به روش داده‌های ترکیبی استفاده شده است. در همین راستا، برای برآورد مدل از متغیر وابسته یعنی تأخیر مدیریت به همراه متغیر مستقل سیاست‌های تقسیم سود و متغیرهای کنترلی اهرم مالی، رشد شرکت، اندازه شرکت و عملکرد شرکت استفاده بعمل آمده است. برای برآورد مدل، ابتدا به منظور گزینش یکی از روش‌های داده‌های تابلویی و داده‌های تلفیقی، از آزمون قابلیت ادغام استفاده شده است. در ادامه، نتایج حاصل از بررسی ضرایب متغیرهای مدل که در جدول شماره ۴- ارائه شده است، توضیح داده می‌شود.

جدول ۴: نتایج حاصل از بررسی ضرایب جزئی مدل - فرضیه اصلی

متغیرها	ضرایب	خطای استاندارد	آماره t	معناداری
درصد تغییرات توزیع سود نسبت به میانگین صنعت	۰/۰۵۰	۰/۰۲۲	۲/۱۸۷	۰/۰۰۱
نسبت توزیع سود	۰/۲۵۳	۰/۰۸۴	۲/۹۹۳	۰/۰۰۱
اندازه شرکت	۰/۰۸۴	۰/۰۲۵	۳/۳۳۲	۰/۰۰۰
اهرم مالی	۰/۷۲۱	۰/۱۸۲	۳/۹۴۸	۰/۰۰۰

جدول ۴: نتایج حاصل از بررسی ضرایب جزئی مدل - فرضیه اصلی

متغیرها	ضرایب	خطای استاندارد	آماره t	معناداری
عملکرد شرکت	۰/۰۷۵	۰/۰۱۴	۵/۲۳۹	۰/۰۰۰
رشد شرکت	-۰/۲۱۰	۰/۰۹۴	-۲/۲۵۳	۰/۰۰۱
مقدار ثابت	۳۰/۰۲۴	۱۱/۵۳۲	۲/۶۰۳	۰/۰۰۱

همان‌طور که در جدول شماره ۴-ملاحظه می‌شود، ضریب متغیر مستقل بیانگر این است که درصد تغییرات توزیع سود نسبت به میانگین صنعت دارای تأثیر مثبت بر تأخیر مدیریت است. مقدار آماره t و معناداری مربوط به این آماره نیز نشان‌دهنده این است که این تأثیرگذاری از لحاظ آماری معنادار است. همچنین ضریب متغیر مستقل بیانگر این است که نسبت توزیع سود دارای تأثیر مثبت بر تأخیر مدیریت است. مقدار آماره t و معناداری مربوط به این آماره نیز نشان‌دهنده این است که این تأثیرگذاری از لحاظ آماری معنادار است. بنابراین، فرضیه اصلی پژوهش پذیرفته می‌شود و در مجموع چنین نتیجه‌گیری می‌شود که با افزایش سیاست‌های تقسیم سود، میزان تأخیر مدیریت به صورت معناداری افزایش می‌یابد. ضرایب و سطح معناداری آماره t مربوط به متغیرهای کنترلی نیز نشان‌دهنده این است که عملکرد شرکت، اندازه شرکت و اهرم مالی دارای تأثیر مثبت و معنادار بر میزان تأخیر مدیریت است، همچنین ضرایب و سطح معناداری آماره t مربوط به متغیر کنترلی رشد شرکت نشان‌دهنده این است که رشد شرکت دارای تأثیر منفی و معنادار بر میزان تأخیر مدیریت است.

نتیجه‌گیری

با توجه به معنادار بودن ضرایب معیارهای سیاست تقسیم سود در مدل‌های برآورد شده، در مجموع چنین نتیجه‌گیری می‌شود که فرضیه اصلی پژوهش پذیرفته می‌شود و با افزایش معیارهای سیاست تقسیم سود، تأخیر مدیریت به صورت معناداری افزایش می‌یابد و بالعکس. ضرایب و سطح معناداری آماره t مربوط به متغیرهای کنترلی نیز نشان‌دهنده این است که عملکرد شرکت، اندازه شرکت و اهرم مالی دارای تأثیر مثبت و معنادار بر میزان تأخیر مدیریت است، همچنین ضرایب و سطح معناداری آماره t مربوط به متغیر کنترلی رشد شرکت نشان‌دهنده این است که رشد شرکت دارای تأثیر منفی و معنادار بر میزان تأخیر مدیریت است.

پیشنهادات حاصل از یافته‌های پژوهش

به منظور جلوگیری از افزایش این دو پدیده می‌توان از سیاست‌های تقسیم سود ثابت و پایدار در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران استفاده نمود که تأخیر ناشی از چانه زنی را کاهش داد.

بررسی میزان تأثیر اقلام تعهدی به تفکیک عملیاتی و غیر عملیاتی بر میزان ریسک سقوط قیمت سهام در صنایع مختلف. بررسی روابط فوق با استفاده از سایر روش‌های ۷۴ نند سری‌های زمانی که می‌تواند با کاهش خطاهای آماری ممکنه نتایج تحقیق را بهتر بیان کند.

همچنین بررسی رابطه بین کیفیت انجام حسابرسی و پدیده‌های تأخیر مدیریتی و یا بررسی تأثیر حسابرسی توسط مؤسسات کوچک یا بزرگ و تأثیر آن بر این دو پدیده می‌تواند مفید فایده باشد.

و در نهایت بررسی رابطه بین همبستگی بین اطلاعات مالی شرکت و قیمت سهام و تاخیر مدیریتی (یعنی آیا این دو تاخیر باعث افزایش همبستگی قیمت و اطلاعات حسابداری می‌گردد یا خیر). نیز می‌تواند زمینه انجام تحقیقات بعدی باشد.

منابع

- بدیعی، حسین، قادری، مهناز، & علی اکبری، محمدامین. (۱۴۰۲). ارائه مدل ارزش شرکت براساس نسبت های مالی، سرمایه فکری و سیاست تقسیم سود. چشم انداز حسابداری و مدیریت، ۶(۸۰)، ۱۳۵-۱۵۰.
- بنویدی، مجید، (۱۳۹۰)، "لزوم برقراری حاکمیت شرکتی در صنعت بیمه"، [online]، <https://www.civilica.com/Paper-INSDEV18-_005.html>، [1390]
- حساس یگانه، یحیی، (۱۳۸۴)، "مفاهیم حاکمیت شرکتی"، حسابداری، شماره ۶، صص ۳۳-۳۰.
- حساس یگانه، یحیی و باغومیان، رافیک. (۱۳۸۴). "حاکمیت شرکتی و کیفیت گزارشگری مالی" فصلنامه حسابداری رسمی دی ماه
- رحمانیان کوشککی، عبدالرسول، & کر، رابعه. (۱۴۰۲). رابطه بین عملکرد پایداری شرکت و سیاست تقسیم سود با توجه به نقش حاکمیت شرکتی و مالکیت نهادی. پژوهشهای کاربردی در گزارشگری مالی، ۱۲(۱)، ۴۱-۶۸.
- رحمانیان کوشککی، عبدالرسول، طاهری، هادی. (۱۴۰۳). معادلات ساختاری ارتباط بین رشد دارائی ها، تداوم سود، مدیریت سود و فرصت های سرمایه گذاری با تقسیم سود و ارزش شرکت. اقتصاد مالی، ۶۶(۱۸)، ۱۰۳-۱۲۴.
- خادمیان، محمد، اقدامی، اسماعیل، & سید نژاد فهیم، سید رضا. (۱۴۰۴). بررسی تأثیر کیفیت کنترل های داخلی بر سیاست تقسیم سود با تأکید بر نقش تعدیل کننده افق سرمایه گذاران نهادی. دانش سرمایه گذاری، ۱۴(۵۴)، ۳۶۳-۳۸۰. doi: 10.30495/jik.2025.23543
- داروغه حضرتی، فاطمه. (۱۴۰۲). تاثیر ساختار مالکیت و سیاست تقسیم سود بر عملکرد شرکت رضایی، ندا، پاک مرام، عسگر، عبدی، رسول، & اقدم مزرعه، یعقوب. (۱۴۰۳). بررسی نقش تعدیلی حاکمیت شرکتی بر تعامل جریان های نقد آزاد و فرصت های رشد در همگام سازی بازده سهام. دانش سرمایه گذاری، ۱۳(۵۲)، ۹۳-۱۲۵.
- محمدی، ناهید، بهار مقدم، مهدی، & پورحیدری، امید. (۱۴۰۴). رابطه چسبندگی انتظارات مدیران و بازده آتی سهام با در نظر گرفتن رتبه بندی حاکمیت شرکتی. دانش سرمایه گذاری، 14(54), 191-210. doi: 10.30495/jik.2025.23536
- محمدزاده م. & فلاح ر. (۱۴۰۲). بررسی ارتباط بین انعطاف پذیری مالی و سیاست تقسیم سود در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. نشریه علمی رویکردهای پژوهشی نوین مدیریت و حسابداری، ۷(۲۵)، ۴۶۷-۴۸۰. Retrieved از <https://majournal.ir/index.php/ma/article/view/2019>
- موسوی، سید رضا، حسین جباری و عباس طالب بیدختی، (۱۳۹۳)، "حاکمیت شرکتی و تجدید ارائه صورت های مالی"، پژوهش های حسابداری مالی و حسابرسی، شماره ۲۵، صص ۱۹۷-۹۷.
- معمارفر، غلامرضا. (۱۴۰۳). بررسی رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و سیاست های تقسیم سود با توجه به نقش کیفیت حاکمیت شرکتی. چشم انداز حسابداری و مدیریت، ۷(۸۸)، ۷۱-۸۲.

وارث، حامد، صلواتی زاده، علی، بنزاده، محمدجواد، (۱۴۰۱)، بررسی تجربی تاثیر حاکمیت شرکتی در کارایی تخصیص سرمایه شرکتهای عمومی. مدیریت دولتی، ۵۰۹-۵۳۰ صص، ۴ شماره، دوره ۱۴

Adjaoud, F. & Ben-Amar, W. (2010). Corporate Governance and Dividend Policy: Shareholders' Protection or Expropriation? *Journal of Business Finance & Accounting*, 37(5-6), 648-667.

Chalmers, K. Hay, D. & Khlif, H. (2019). Internal control in accounting research: A review. *Journal of Accounting Literature*, 42, 80-103.

Fairchild, R. (2010). Dividend policy, signalling and free cash flow: an integrated approach. *Managerial Finance*, 36(5), 394-413.

Gontara.H. (2020). Internal Control Quality and Dividend Policy in French Setting: Does Managerial Ownership Concentration Matter? *International Journal of Accounting and Financial Reporting*. 10(2).

Kadima.A, Nardi Sunardi, Husaina.T, (2020). The modeling firm's value based on financial ratios, intellectual capital and dividend policy. *Accounting*,6: 859-870.

Oladipupo, A.O. & Izedonmi, F.I.O. (2009). The inevitability of financial reporting delay and conceptual definitional problems. *Journal of the Management Science*, 9(1), 119-133.

Teguh Ade Putra, Andreas, & Enni Savitri(2022).The Effect of Institutional Ownership, Families'Ownership, OwnershipConcentration and Dividend Policy Towards Firm Performance. *Indonesian Journal of Economics Social and Humanities* 4(2):151-165.

Ying, Y. (2016). Internal Control Information Disclosure Quality, Agency Cost and Earnings Management—Based on the Empirical Data from 2011 to 2013. *Modern Economy*, 07(01), 64-70.

Yilmaz, Mustafa K. Mine Aksoy & Ajab Khan (2022): Moderating role of corporate governance and ownership structure on the relationship of corporate sustainability performance and dividend policy, *Journal of Sustainable Finance & Investment*, DOI: 10.1080/20430795.2022.2100311

The Relationship between Dividend Policies and Management Delay

Abstract

Dividend is considered one of the important issues in decision-making in the stock market. On the other hand, decisions related to dividends are not made by financial managers and shareholders independently of the macroeconomic environment and financial risks. This research aims to investigate the relationship between dividend policies and management delay in 300 selected accepted companies It has been paid in the Tehran Stock Exchange during the period of 2015-2022. The current research is an applied research in terms of its purpose, a descriptive-causal research in terms of its implementation method, and a post-event type in terms of data collection method. Regression models have been used to test research hypotheses and spss software has been used to analyze data. The results of the research show that there is a significant relationship between the ratio of profit distribution and the percentage of changes in profit distribution compared to the industry average with management delay.

Keywords

Profit Sharing, Profit Sharing Policy, Management Delay, Profit Distribution
